

## ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی

محمد رضا رضوانی\*، علیرضا شکیبا\*\*، حسین منصوریان\*\*\*

طرح مساله: هدف مقاله حاضر ارائه چارچوب مناسبی برای سنجش کیفیت زندگی براساس نیازهای انسانی در دهستان خاوه شمالی *Isf* که در آن پیوند مفهومی بین دو رویکرد متفاوت در زمینه کیفیت زندگی - رویکرد عینی و رویکرد ذهنی - در نظر گرفته می‌شود. همچنین علاوه بر شناخت وضعیت موجود کیفیت زندگی، رابطه بین کیفیت زندگی و متغیرهای اجتماعی و اقتصادی مورد سنجش قرار گرفته است.

روش: روش این مطالعه از نوع توصیفی - همبستگی است و داده‌های مورد نیاز با استفاده از پرسش‌نامه کنترل شده با حجم نمونه تصادفی ۲۱۰ خانوار روستایی در دهستان خاوه شمالی به دست آمده است.

یافته‌ها: نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که وضعیت کلی کیفیت زندگی در ناحیه مورد مطالعه ضعیف بوده و از ۸ متغیر دارای همبستگی، ۶ متغیر درآمد خانوار، امکانات زیربنایی، تحصیلات، مشارکت، سلامت و کیفیت محیط بیش از ۸۵ درصد عوامل موثر در میزان کیفیت زندگی در ناحیه مورد مطالعه را تبیین کرده‌اند.

نتایج: برنامه‌ریزی توسعه در ناحیه مورد مطالعه باید متناسب با میزان دسترسی به منابع محلی و نیازهای عینی و ذهنی مردم انجام شود تا بتواند به بهبود کیفیت زندگی روستاییان کمک کند.

کلید واژه‌ها: شاخص‌های ذهنی، شاخص‌های عینی، کیفیت زندگی، نیازهای انسانی

تاریخ پذیرش: ۸۷/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۸۷/۴/۲۴

\* دکتر جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران <rrezvani@ut.ac.ir>

\*\* دکتر اقلیم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد سیستم اطلاعات جغرافیایی، دانشگاه شهید بهشتی

## مقدمه

شناخت، اندازه‌گیری و بهبود کیفیت زندگی از اهداف عمده محققان، برنامه‌ریزان و دولت‌ها در چند دهه اخیر بوده است. این عرصه علمی و تحقیقاتی مورد توجه تعداد زیادی از رشته‌ها، از جمله جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، علوم محیطی، جغرافیا، پزشکی و... است. کیفیت زندگی از دهه ۱۹۶۰ به یکی از موضوعات مورد علاقه علوم اجتماعی تبدیل شد، زیرا در این دهه مشخص شد که رشد و توسعه اقتصادی لزوماً منجر به بهبود زندگی مردم یک کشور نمی‌شود (Das, 2008: 298). مطالعات علمی نشان دادند که رابطه بین پیشرفت اقتصادی و کیفیت زندگی، رابطه‌ای خطی نیست؛ این دو، تا نقطه‌ای هم‌سو و هم جهت حرکت می‌کنند و آن نقطه‌ای است که حداقل شرایط مطلوب مادی برای زیست انسان فراهم شده باشد، ولی از این نقطه به بعد دیگر نمی‌توان انتظار داشت که تامین نیازهای اقتصادی به بهبود کیفیت زندگی کمک کند، زیرا انسان موجودی چند وجهی و پیچیده است و منطبق اقتصادی نمی‌تواند بسیاری از رفتارهای او را تبیین کند (خوارزمی، ۱۳۸۳: ۸). در این دهه عموم مردم به طور فزاینده‌ای از هزینه‌های اجتماعی و خسارات محیطی رشد اقتصادی آگاه شدند و محققان دریافتند که رشد فزاینده تولید ناخالص داخلی<sup>۱</sup> نمی‌تواند به‌طور مستمر کیفیت زندگی مردم را بهبود بخشد (Glatzer, 2006: 2). بنابراین از دهه ۱۹۶۰ تلاش‌های علمی فراوانی به منظور تعریف اصطلاح کیفیت زندگی، شناسایی عناصر تشکیل‌دهنده آن و توسعه روش‌های سنجش و اندازه‌گیری کیفیت زندگی صورت گرفته است. اصطلاح کیفیت زندگی دارای معانی گوناگونی برای افراد و گروه‌های مختلف است.

## 1. Gross Domestic Product

برخی آن را به عنوان قابلیت زیست‌پذیری<sup>۱</sup> یک ناحیه، برخی دیگر به عنوان اندازه‌ای برای میزان جذابیت<sup>۲</sup> و برخی به عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایت‌مندی و... تفسیر کرده‌اند (Epley & Menon, 2007: 281). با این وجود، هنوز هم یک تعریف قابل قبول جهانی برای این مفهوم صورت نگرفته است، زیرا بسیاری از محققان بر این باورند که کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی، نسبی، متأثر از زمان، مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی است. کیفیت زندگی به وسیله نیروهای بیرونی مرتبط با افراد یا گروه‌های اجتماعی مثل تکنولوژی تولید، زیرساخت‌ها، روابط با سایر گروه‌ها، نهادهای جامعه، محیط طبیعی و هم چنین به وسیله نیروهای درونی مثل تعاملات درون جامعه و ارزش‌های شخص یا جامعه تعیین می‌شود (Das, 2008: 298). از این رو می‌توان به طور کلی کیفیت زندگی را سازه‌ای چندبعدی، متشکل از شرایط عینی زندگی و بهزیستی ذهنی<sup>۳</sup> تعریف کرد. بعد عینی، وضعیت ظاهری و ملموس زندگی را نمایش می‌دهد، اما بعد ذهنی شامل ادراکات و ارزش‌یابی‌های افراد از وضعیت زندگی‌شان می‌باشد. از طریق یکپارچه کردن ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی، امکان به دست آوردن تصویر کامل‌تر و مفیدتری از کیفیت زندگی در مقیاس‌های گوناگون مکانی و زمانی وجود دارد. در این مقاله فرض ما نیز بر این است که کیفیت زندگی تابعی از چگونگی تأمین نیازهای انسانی و میزان رضایت افراد یا گروه‌ها از نحوه برآورده شدن نیازهایشان است. در ضمن علاوه بر شناخت وضعیت موجود کیفیت زندگی خانوارها در ناحیه مورد مطالعه، عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر کیفیت زندگی در دهستان خاوه شمالی نیز بررسی و مطالعه شده‌اند تا سیاست‌گذاران و مسئولان، اثرگذاری و کارایی سیاست‌های فعلی خود را ارزیابی کرده و سیاست‌های جدید مورد نیاز را طراحی کنند.

1. Livability
2. Attractiveness
3. Subjective Well-being

## (۱) مبانی و چارچوب نظری

### ۱-۱) مفهوم کیفیت زندگی

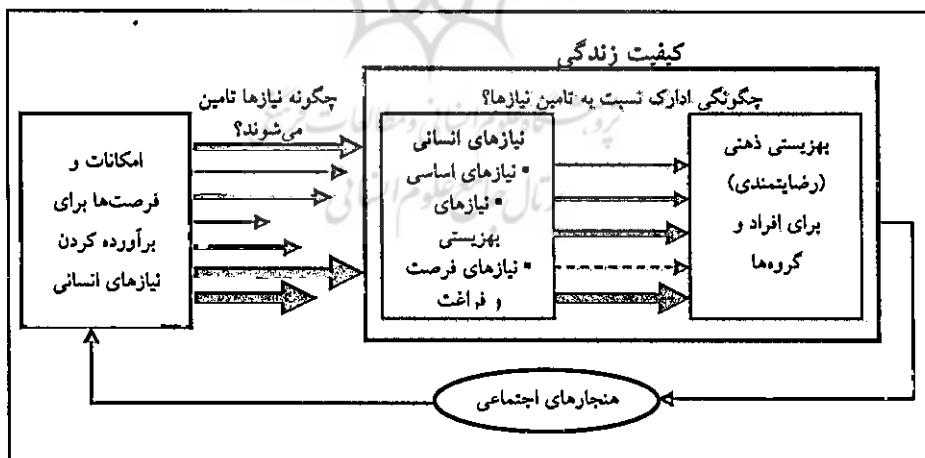
کیفیت زندگی، موضوع اصلی بسیاری از تحقیقات در رشته‌های گوناگون علمی بوده است، اما ارائه تعریفی جامع و جهانی برای این مفهوم هنوز هم به صورت یک مشکل باقی مانده است؛ زیرا بسیاری از محققان بر این باورند که کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی، نسبی، متأثر از زمان و مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است، بنابراین ارائه تعریفی جهانی برای آن امکان‌پذیر نمی‌باشد.

اصطلاح کیفیت زندگی دارای معانی گوناگونی برای افراد و گروه‌های مختلف می‌باشد. لیو در سال ۱۹۸۳ کیفیت زندگی را به عنوان «نامی برجسته برای مفهوم قدیمی بهزیستی مادی و روانی مردم در محیطی که در آن زندگی می‌کنند» توصیف کرده است. اسمیت آن را بهزیستی اجتماعی<sup>۱</sup> و آندروز رفاه عمومی<sup>۲</sup> تعریف کرده‌اند. مولر در سال ۱۹۸۳ کیفیت زندگی را میزان رفاه افراد و گروه‌ها تحت شرایط اجتماعی و اقتصادی عمومی تعریف می‌کند. هم چنین گروه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی<sup>۳</sup>، کیفیت زندگی را ادراک فردی از وضعیت زندگی در متن نظام‌های فرهنگی و ارزشی جامعه و در ارتباط با اهداف، انتظارات، استانداردها، علایق و نگرانی‌های فرد توصیف می‌کند (Shyy, et a) و (2006:12). پسیون (Pacione, 1995:45) کیفیت زندگی را این گونه تعریف می‌کند: اصطلاح کیفیت زندگی به طور کلی به وضعیت محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند، مثل آلودگی و کیفیت مسکن و هم‌چنین به برخی صفات و ویژگی‌های خود مردم مثل سلامت و میزان تحصیلات اشاره دارد.

1. Social Well-being
2. General Welfare
3. WHO QOL Group

با توجه به تعاریف ارائه شده می‌توان گفت که اصولاً "کیفیت زندگی یک مفهوم پیچیده و چند بعدی در رابطه با وضعیت جمعیت، در یک مقیاس جغرافیایی خاص (روستا، شهر، کشور و...) است که هم متکی به شاخص‌های ذهنی یا کیفی و هم متکی به شاخص‌های عینی یا کمی است (کوکبی و دیگران، ۱۳۸۴: ۵). در این مقاله نگارنده نیز کیفیت زندگی را به عنوان مفهومی برای نمایش چگونگی تامین نیازهای انسانی براساس امکانات و فرصت‌های در دسترس و احساس ذهنی افراد و گروه‌ها نسبت به تامین این نیازها - بهزیستی ذهنی - در نظر گرفته است (شکل شماره ۱). نیازهای انسانی، نیازهایی برای امرارمعاش، تولید مثل، بهزیستی، رشد و پیشرفت و ... هستند. بهزیستی ذهنی نیز به وسیله واکنش‌های افراد و گروه‌ها به سوالاتی در مورد شادکامی و رضایت از زندگی تشخیص داده می‌شود. ارتباط بین تامین نیازها و رضایت حاصله از تامین هر یک از نیازها می‌تواند به وسیله ظرفیت روحی، زمینه فرهنگی، ارزش‌ها، تحصیلات، هنجارهای اجتماعی و وزن‌هایی که افراد و گروه‌ها به تامین هر یک از نیازهای انسانی - در مقایسه با دیگر نیازها - می‌دهند، تحت تاثیر واقع شود.

شکل ۱: کیفیت زندگی تعامل بین نیازهای انسانی و ادراک ذهنی نسبت به برآورده شدن آن‌ها از طریق امکانات و فرصت‌های در دسترس است.



## ۲-۱) چارچوب سنجش کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مردم و مکان‌های روستایی به عوامل زیادی از جمله اشتغال، درآمد مناسب، دسترسی به خدمات مهم از جمله آموزش، بهداشت، سلامت، محیط طبیعی، امنیت، انجمن‌های قوی و... وابسته است. هر چند کیفیت زندگی مردم و مکان‌های شهری نیز به این عوامل وابسته می‌باشد، اما چالش‌های مربوط به سنجش رفاه و زندگی بهتر در نواحی شهری بسیار متفاوت با مناطق روستایی است. برخی از این چالش‌ها به شرایط کلان اقتصادی وابسته هستند، ولی برخی دیگر به چارچوب سازمانی و نهادی موجود در نواحی روستایی مربوط است. عواملی مانند مقیاس کوچک و تراکم کم جمعیت سکونت‌گاه‌های روستایی، کاهش اشتغال و درآمد در بخش کشاورزی، فاصله زیاد، انزوای جغرافیایی، ضعف راه‌های ارتباطی و سیستم حمل و نقل مناسب و کارآمد، اجرای سیاست‌های لازم برای بهبود کیفیت زندگی روستایی را پیچیده‌تر می‌کند (Bukanya, et al. 2003: 1). در این راستا در مقاله حاضر سعی شده با بررسی مفاهیم، دیدگاه‌ها و مدل‌های موجود در زمینه کیفیت زندگی، چارچوبی برای سنجش کیفیت زندگی براساس نیازهای انسانی ارائه شود تا نسبت به مدل‌های قبلی با واقعیت‌های موجود در نواحی روستایی انطباق بیشتری داشته باشد و بتوان با توجه به نیازهای جوامع روستایی، در شرایط مختلف زمانی و مکانی از آن استفاده کرد.

مطالعات اخیر در زمینه کیفیت زندگی بر دو روش اندازه‌گیری اصلی متمرکز است، روش اول شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی قابل سنجش را برای انعکاس میزان تامین نیازهای انسانی استفاده می‌کند و روش دوم سطح رضایت ابراز شده توسط افراد و گروه‌ها را که اصطلاحاً بهزیستی ذهنی نامیده می‌شود، ارزیابی می‌کند. به طور کلی، سنجش عینی کیفیت زندگی بر شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و سلامت متمرکز است و ابزارهایی مثل تولید ناخالص داخلی، شاخص پیشرفت اصلی<sup>۱</sup>، شاخص سلامت اجتماعی<sup>۱</sup> و شاخص

## 1. Genuine Progress Indicator (GPI)

توسعه انسانی<sup>۲</sup> را به کار می‌گیرد. این ابزارها می‌توانند تصویری از چگونگی برآورده شدن نیازهای انسان را ارائه دهند. ولی بیش‌تر ابزارهای سنجش ذهنی کیفیت زندگی بر گزارشات شخصی از تجربه زندگی متکی است که مکمل متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و سلامت می‌باشند و میزان رضایت افراد و گروه‌ها از تامین نیازهایشان (مانند رضایت کلی از زندگی<sup>۳</sup> و شاخص بهزیستی فردی<sup>۴</sup>) را مورد ارزیابی قرار می‌دهند (Costanza, et al., 2006:268)، بسیاری از محققان کیفیت زندگی، نیاز به هر دو دسته از شاخص‌های عینی و ذهنی را برای سنجش کیفیت زندگی خاطر نشان کرده‌اند.

از طریق یکپارچه کردن ارزیابی‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی، امکان به‌دست آوردن تصویر کامل‌تر و مفیدتری از کیفیت زندگی در مقیاس‌های گوناگون مکانی و زمانی وجود دارد. به طور مثال درک کامل وضع بهداشت در یک منطقه با استفاده از داده‌های مربوط به امکانات و خدمات بهداشتی موجود در منطقه و داده‌های تکمیلی که ادراکات مردم را نسبت به وضع بهداشت، مراقب‌های دریافتی و یا خدمات بهداشتی موجود نشان می‌دهند، آسان‌تر می‌شود. در این مقاله نیز به منظور سنجش کیفیت زندگی، سعی شده پیوندهای مفهومی بین دو رویکرد متفاوت در زمینه کیفیت زندگی - رویکرد عینی و رویکرد ذهنی - در نظر گرفته شود و شاخص‌های متناسب با آن‌ها در مدل لحاظ گردد.

در این مطالعه، فرایند سنجش کیفیت کلی زندگی در نواحی روستایی شامل چهار مرحله اساسی می‌باشد:

1. Social Health Index (SHI)
2. Human Development Index (HDI)
3. Overall Satisfaction with Life (OSL)
4. The Personal Well being Index (PWI)

### ۱-۲-۱) انتخاب طبقات، قلمروها و معرف‌ها

بسیاری از مطالعات در زمینه کیفیت زندگی سعی کرده‌اند که زندگی را به قلمروهای مختلفی تقسیم کرده و با وزن دهی و کمی کردن هر یک از این قلمروها و ترکیب کردن آن‌ها به کیفیت کلی زندگی دست یابند، اما مشکل اساسی در این روش، تعداد و ویژگی مطلوب قلمروهای مختلف زندگی، نحوه وزن دهی و ترکیب آن‌ها می‌باشد. اسمیت در سال ۱۹۷۳ به منظور مطالعه کیفیت زندگی در ایالات متحده آمریکا، چهل قلمرو را که به طور مساوی وزن دهی شده بودند، در قالب شش گروه دسته‌بندی کرده و شاخص ترکیبی کیفیت زندگی را محاسبه کرده است (Delia, 2002:12). کامپل و همکاران نیز در سال ۱۹۷۶، در گزارش کیفیت زندگی مردم آمریکا، دوازده قلمرو خاص را برای مطالعه کیفیت زندگی مورد توجه قرار دادند که عبارت‌اند از ازدواج، زندگی خانوادگی، بهداشت، همسایگی، دوستی، شغل، مکان زندگی، مسکن، معیار زندگی، تحصیلات، پس‌انداز و آموزش رسمی (Grasso, 2007:45).

کامینز در سال ۱۹۹۶ برای محاسبه شاخص ترکیبی کیفیت زندگی، هفت قلمرو شامل: بهزیستی مادی، سلامت، بهره‌وری، تعلق، امنیت، اجتماع محلی و بهزیستی عاطفی را مورد مطالعه قرار داد. هاگرتی و همکاران در سال ۲۰۰۱ اظهار داشتند که هفت قلمرو شامل روابط با خانواده، بهزیستی عاطفی، بهزیستی مادی، سلامت، کار و فعالیت مولد، احساس تعلق به اجتماع و امنیت فردی می‌توانند به‌طور مطلوبی فضای کیفیت زندگی را پوشش دهند (Malkina, 2007:76-78).

بنابراین می‌توان گفت که هنوز روش‌شناسی واحدی برای تعیین تعداد قلمروهای زندگی وجود ندارد و انتخاب قلمروها و معرف‌های مربوط به هر قلمرو براساس قضاوت‌های شخصی محقق و با توجه به ویژگی‌های ناحیه مورد مطالعه صورت می‌گیرد. در مطالعه حاضر به منظور انتخاب طبقات، قلمروها و معرف‌ها، فهرستی از نیازهای انسانی در جوامع روستایی با توجه به سلسله مراتب نیازهای مازلو، ماتریس نیازهای



انسانی مکس - نیف، پرسش‌نامه‌های کیفیت زندگی و مطالعات نیازسنجی جوامع روستایی جمع‌آوری شده و این نیازها در سه طبقه اصلی شامل الف) نیازهای اساسی، ب) نیازهای بهزیستی و ج) نیازهای فرصت و فراغت قرار داده شدند. سپس برای هر کدام از طبقات سه گانه، قلمروها و معرفی‌های مورد نیاز انتخاب شد. این نیازها و معرفی‌های مختلف آن‌ها برای جوامع روستایی در جدول شماره ۱ نشان داده است. هر چند که ممکن است برخی از نیازهای پیشنهادی دارای هم‌پوشانی باشند، اما به‌طور کلی سعی بر آن بوده است که مجموعه‌ای از حداقل نیازهای جوامع روستایی را که در بیش‌تر زمان‌ها، مکان‌ها، و فرهنگ‌ها رخ می‌دهند، شناسایی کنیم تا شروعی برای انجام تحقیقات کامل‌تر در زمینه کیفیت زندگی روستایی باشد.

جدول ۱: فهرست نیازهای انسانی و توصیف گره‌های مختلف برای سنجش کیفیت زندگی در نواحی روستایی

| طبقه                | قلمرو   | توصیف گره‌ها   |
|---------------------|---|--|
| نیازهای اولیه زندگی | * مسکن  | کیفیت مسکن / تعداد اتاق‌ها نسبت به افراد خانوار / تجهیزات و امکانات مسکن     |
|                     | * آب آشامیدنی   | منبع / کیفیت / کمیت  |
|                     | * روشنایی   | منبع: چوب / نفت / گاز / الکتریسیته   |
|                     | * غذا و تغذیه   | مصرف هفتگی گوشت / مصرف هفتگی میوه و سبزیجات                                  |
| نیازهای رفاهی       | * سوخت برای پخت و پز و گرما   | نوع سوخت / دسترسی به جایگاه عرضه مواد سوختی                                  |
|                     | * شبکه جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب و زباله  | امکانات جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب / امکانات جمع‌آوری و دفع بهداشتی زباله |
| * سطح رضایت         | وضعیت مسکن / امکانات تامین آب آشامیدنی / وضعیت روشنایی / وضعیت دسترسی به سوخت / امکانات جمع‌آوری فاضلاب و دفع زباله / وضعیت تغذیه |  |

ادامه جدول ۱

| توصیف گرها  | قلمرو   | طبقه                          |
|---|---|-------------------------------|
| دسترسی به امکانات بهداشتی / فاصله تا نزدیک‌ترین مرکز پزشکی / سلامت جسمی خود و خانواده طی یک سال گذشته<br>قرار داشتن در محدوده خدماتی پاسگاه پلیس / میزان وقوع جرم<br>وضعیت شغلی / رضایت شغلی / درآمد ماهیانه / پایداری و امنیت درآمد<br>نوع زمین / مقدار زمین<br>نوع دام / تعداد دام<br>اتومبیل / موتور سیکلت / دوچرخه / چرخ خیاطی / تلویزیون / یخچال / ویدئو / جارو برقی / اجاق گاز                              | * سلامت<br>* امنیت<br>* استخدام<br>* مالکیت زمین کشاورزی<br>* مالکیت دام<br>* مالکیت کالاهای بادوام | نیازهای<br>بهریستی            |
| وضعیت امکانات مراقبت سلامت / وضعیت امنیت / فرصت های شغلی / وضعیت زمین کشاورزی تحت مالکیت / وضعیت دام های تحت مالکیت / وضعیت کالاهای تحت مالکیت  | * سطح رضایت   |                               |
| دسترسی به امکانات آموزشی / تعداد افراد تحصیل کرده در خانوار / میزان تحصیلات سرپرست خانوار<br>امکانات حمل و نقل عمومی / نوع راه / امکانات پستی و مخابراتی / امکانات کامپیوتر و اینترنت / کتابخانه عمومی<br>نرخ مشارکت رای دهندگان / عضویت در نهادهای اجتماعی<br>توانایی انتخاب در برخی موارد مهم زندگی هم چون ازدواج و انتخاب شغل<br>توان انجام مسافرت / دسترسی به امکانات ورزشی / دسترسی به امکانات فرهنگی و هنری | * آموزش<br>* ارتباطات و اطلاعات<br>* مشارکت<br>* آزادی<br>* تفریح و اوقات فراغت                     | نیازهای<br>فرصت<br>و<br>فراغت |
| وضعیت امکانات آموزشی / وضعیت امکانات ارتباطی و اطلاعاتی / وضعیت مشارکت / توانایی انتخاب / دسترسی به امکانات تفریحی  | * سطح رضایت   |                               |

## ۲-۱) وزن دهی به طبقات و قلمروهای انتخاب شده

مرحله دوم شامل وزن دهی به طبقات و قلمروهای انتخاب شده است، زیرا بعید است که همه نیازها به به طور یکسانی کیفیت زندگی افراد را تحت تاثیر قرار دهند. بنابراین ما نیز فرض کرده‌ایم که هر نیاز تاثیر متفاوتی بر کیفیت کلی زندگی در نواحی روستایی دارد و برخی از نیازها اغلب اساسی‌تر از انواع دیگر هستند و زمانی که این نیازهای بنیادی‌تر به طور معقولی ارضاء شوند، جنبه‌های دیگر تاثیر کم‌تری بر کیفیت کلی زندگی دارند (Pacione 2003:23). وزن دهی به نیازها می‌تواند براساس نظرات کارشناسان، مردم و یا بر اساس نظر هر دو گروه انجام گیرد. در این مطالعه به دلیل پایین بودن سطح سواد و آگاهی روستائیان در ناحیه مورد مطالعه، وزن دهی طبقات و قلمروها براساس نظر کارشناسان انجام شد.

## ۳-۲-۱) امتیازدهی به قلمروهای مختلف کیفیت زندگی

در مرحله سوم، مسأله امتیازدهی به قلمروهای مختلف کیفیت زندگی مطرح می‌شود. در این مقاله ما کیفیت زندگی را به عنوان برهم کنش بین نیازهای انسانی و ادراک ذهنی نسبت به برآورده شدن آنها از طریق امکانات و فرصت‌های در دسترس تعریف کردیم؛ بنابراین عملیات امتیازدهی به هر قلمرو خاص از طریق ترکیب شاخص‌های عینی و ذهنی انجام می‌گیرد. نکته مهم در این مرحله چگونگی کمی‌سازی متغیرهای عینی و ذهنی است. به منظور کمی‌سازی متغیرهای ذهنی کیفیت زندگی میزان رضایت یا عدم رضایت خانوارها از برآورده شدن نیازهایشان با استفاده از ۵ گویه بر مبنای طیف لیکرت شامل «خیلی راضی» (۵) تا «خیلی ناراضی» (۱) مورد سوال قرار گرفت. در بعد عینی کیفیت زندگی به منظور کمی‌سازی و امتیاز دهی به متغیرها از دو روش استفاده شده است. ابتداءً از سیستم اطلاعات جغرافیایی<sup>۱</sup> (GIS) برای تولید نقشه ناحیه و محاسبه فاصله بین

## 1. Geographic Information System(GIS)

خانوارهای مورد مطالعه و خدمات انتخاب شده (جایگاه عرضه مواد سوختی، مرکز بهداشتی، درمانی و ...) استفاده شد. پس از تفسیر داده‌های به دست آمده از تحلیل مکانی، بالاترین امتیاز به بهترین دسترسی اختصاص داده شد. به منظور کمی کردن سایر متغیرهای عینی از نظر کارشناسان استفاده شد. بدین صورت که ابتداء براساس نظر کارشناسان حالت مطلوب متغیر برای داشتن کیفیت زندگی مناسب تعیین شد و سپس وضعیت موجود متغیر عینی برای خانوارها براساس مقایسه با حالت مطلوب امتیازدهی شد. به طور مثال در مورد نوع سوخت مورد استفاده توسط خانوارها برای پخت و پز و گرما، بالاترین امتیاز به گاز و پایین ترین امتیاز به چوب داده شد.

#### ۴-۲-۱) محاسبه کیفیت کلی زندگی

مرحله چهارم شامل نحوه ترکیب قلمروهای مختلف با توجه به وزن‌های مربوط به هر کدام برای رسیدن به کیفیت کلی زندگی در نواحی روستایی می‌باشد. در این مرحله قلمروهای مختلف با توجه به وزن نسبی‌شان با استفاده از یک مدل خطی تجمعی برای به دست آوردن کیفیت کلی زندگی با هم ترکیب شده‌اند. این روش نشان می‌دهد که افراد رضایت و عدم رضایت در قلمروهای مختلف زندگی را برای رسیدن به یک احساس کلی از کیفیت زندگی با هم ترکیب می‌کنند. در این روش، کیفیت زندگی عبارت است از دو مقدار متمایز برای ارزیابی هر شاخص مربوط به نیازهای انسانی، که یکی میزان برآورده شدن عینی و ذهنی نیاز و دیگری اهمیت نسبی نیاز را مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین در پژوهش حاضر به منظور سنجش کیفیت زندگی خانوارها در ناحیه مورد مطالعه پارامترهای ارائه شده در جدول شماره ۱ در ارتباط با نظرات کارشناسان و مردم قرار گرفته‌اند:

$$RQOL = \left[ \left\{ \sum_{i=1}^6 \alpha_i (DBn)_i \right\} \times \beta \right] + \left[ \left\{ \sum_{i=1}^6 \alpha_i (DWBn)_i \right\} \times \beta \right] + \left[ \left\{ \sum_{i=1}^5 \alpha_i (DON)_i \right\} \times \beta \right]$$

RQOL = کیفیت زندگی روستایی

$\alpha_i$  = وزن قلمرو در طبقه مورد نظر

$\beta$  = وزن طبقه مورد نظر

$(DBn)_i$  = امتیاز قلمرو مورد نظر در طبقه نیازهای اساسی (میزان برآورده شدن نیاز مورد نظر و احساس رضایت از آن)

$(DWBn)_i$  = امتیاز قلمرو مورد نظر در طبقه نیازهای بهزیستی (میزان برآورده شدن نیاز مورد نظر و احساس رضایت از آن)

$(DON)_i$  = امتیاز قلمرو مورد نظر در طبقه نیازهای فرصت و فراغت (میزان برآورده شدن نیاز مورد نظر و احساس رضایت از آن)

سرانجام شاخص کیفیت زندگی به دست آمده از رابطه بالا برای خانوارهای مورد مطالعه، با توجه به معیارهای زیر رتبه بندی شده تا وضعیت کلی کیفیت زندگی هر خانوار روستایی مشخص گردد. اگر شاخص به دست آمده برای خانوار کوچک تر از ۰/۲ باشد، نشان دهنده وضعیت کیفیت زندگی خیلی بد، اگر بین ۰/۲ تا ۰/۴ باشد، بد، اگر بین ۰/۴ تا ۰/۶ باشد، نه خوب، نه بد، اگر بین ۰/۶ تا ۰/۸ باشد، خوب و اگر شاخص کیفیت زندگی بین ۰/۸ تا ۱ باشد، نشان دهنده وضعیت کیفیت زندگی بسیار خوب برای خانوار مورد مطالعه است.

در مرحله دوم تحقیق عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر کیفیت زندگی در ناحیه مورد مطالعه بررسی شده اند. مهم ترین عوامل اجتماعی و اقتصادی مورد استفاده در تحقیق از مدل ارائه شده توسط بانک جهانی به منظور بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر کیفیت زندگی در روستاهای آسیا اقتباس شده اند (Bloom, 2001:27). بر همین اساس، آثار عوامل اجتماعی و اقتصادی مانند درآمد خانوار، مشارکت، کیفیت محیط، سلامت، تحصیلات سرپرست خانوار، زیر ساخت ها، بعد خانوار و سن سرپرست خانوار بر کیفیت زندگی خانوارها بررسی شد.

## ۲) روش تحقیق

### ۲-۱) روش اجرا

روش مورد استفاده در این مطالعه، از جنبه‌های مختلف قابل طرح است. از لحاظ هدف، تحقیق حاضر کاربردی - توسعه‌ای است و به لحاظ شیوه تحلیل داده‌ها، از نوع تحقیقات توصیفی - همبستگی است، زیرا علاوه بر شناخت و توصیف وضعیت موجود کیفیت زندگی، به دنبال بررسی روابط و آثار عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر کیفیت زندگی در نواحی روستایی می‌باشد. متغیرهای مستقل تحقیق، شامل درآمد خانوار، تحصیلات سرپرست خانوار، کیفیت محیط، سلامت، مشارکت، زیرساخت‌ها، بعد خانوار و سن سرپرست خانوار، و متغیر وابسته، کیفیت زندگی می‌باشد.

### ۲-۲) جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

دهستان خاوه شمالی از توابع شهرستان دلفان در استان لرستان می‌باشد که در شمال این استان و در شرق شهرستان دلفان واقع است. مرکز این دهستان روستای کفرآج در ۱۳ کیلو متری مشرق شهر نورآباد مرکز شهرستان دلفان می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش، خانوارهای روستایی ساکن در دهستان خاوه شمالی است که طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ حدود ۱۸۴۱ خانوار می‌باشند. نمونه آماری در دسترس تحقیق ۲۱۰ خانوار می‌باشند که از ۹ روستای سراب غضنفر، شترخفت، ایرانشاهی، کفرآج، سرخانجوب علیا، زلیوار، گاوپازه، زمانه و سرخانجوب سفلی با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند.

### ۲-۳) ابزار پژوهش

ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه محقق ساخته است که با توجه به اهداف پژوهش تهیه شده است. به منظور بررسی وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانوارها در ناحیه مورد مطالعه با تکمیل پرسش‌نامه مفصل از ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و مسکن خانوار از

۲۱۰ خانوار نمونه در ۹ روستای مورد مطالعه، اطلاعات مورد نیاز گردآوری شد. علاوه بر آن بسیاری از آمار و داده‌های مربوط به وضعیت موجود منطقه نیز از بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای و مشاهده مستقیم به دست آمد.

پرسش‌نامه حاوی سؤالاتی در مورد ویژگی‌های جمعیت شناختی، و ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی می‌باشد. در بعد عینی میزان دسترسی خانوارهای روستایی به امکانات و فرصت‌ها برای تامین نیازهایشان ارزیابی می‌شود. در بعد ذهنی سعی شده است میزان رضایت و یا عدم رضایت خانوارها نسبت به تامین نیازهایشان مورد ارزیابی قرار گیرد. به منظور سنجش اعتبار درونی ابتدا از روش اعتبار محتوا برای افزایش اعتبار پرسش‌نامه استفاده شده است. در این راستا با استفاده از مقیاس‌های آزمون شده در پژوهش‌های کیفیت زندگی و نظرخواهی از اساتید و کارشناسان متخصص در این زمینه گام اول برداشته شد. سپس پرسشنامه تدوین شده طی دو مرحله مقدماتی و نهایی تکمیل گردید و با بررسی پاسخ‌های به دست آمده از ۳۰ پرسش‌نامه مقدماتی و انجام محاسبات آماری لازم، پرسش‌نامه نهایی تدوین گردید. ضریب پایایی پرسش‌نامه نیز براساس آزمون آلفای کراباخ ۰/۸۵ برآورد گردید که از لحاظ آماری، قابل قبول است.

#### ۴-۲) تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، ابتداء از نرم‌افزار Arc GIS به منظور تولید مجموعه‌ای از متغیرهای عینی مربوط به خانوارها (محاسبه فواصل بین خانوارها و خدماتی همچون مرکز بهداشتی، درمانی) استفاده شد. سپس داده‌های به دست آمده از تحلیل مکانی، همراه با داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها و مشاهدات میدانی با استفاده از نرم‌افزار SPSS به منظور استخراج کیفیت کلی زندگی و توصیف و تبیین مسأله در ناحیه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در سطح توصیفی با استفاده از داده‌های توزیع فراوانی متغیرها، تصویری از وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانوارها در ناحیه مورد مطالعه به دست آمد و برای تحلیل رابطه بین متغیرها از آمارهای تحلیل همبستگی استفاده شد. در نهایت برای نشان دادن ارتباط همزمان چند متغیر با متغیر وابسته کیفیت زندگی و تحلیل روابط بین آن‌ها از رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام استفاده شد.

## ۳) یافته‌ها

## ۳-۱) ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی

به منظور بررسی وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانوارها با تکمیل پرسشنامه، استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و نیز مشاهده مستقیم ویژگی‌های ۲۱۰ خانوار نمونه در ۹ روستای مورد مطالعه، بررسی گردید. نتایج این بررسی‌ها نشان می‌دهد از لحاظ جمعیتی، متوسط رشد سالانه جمعیت ناحیه در سالهای ۸۵-۱۳۷۵ حدود ۰/۷۸ درصد و بعد خانوار در سال ۱۳۸۵، ۴،۴۵ نفر بوده است. در زمینه آموزش و سواد، تمامی روستاهای مورد مطالعه دارای مدرسه ابتدایی می‌باشند و ۴ مدرسه راهنمایی و ۳ دبیرستان نیز در این ناحیه وجود دارد. نسبت باسواد برای مردان ۹۷/۷ درصد و برای زنان ۶۷/۳ درصد است که پایین‌تر از متوسط ملی می‌باشد. قسمت عمده‌ای از مسکن در دهستان مورد مطالعه بی‌دوام و نیمه‌دوام هستند و ۷۳/۷ درصد جمعیت از وضعیت مسکن خود ناراضی می‌باشند. تمامی روستاهای ناحیه زغال یا چوب استفاده می‌کنند. اکثر روستاها در این ناحیه به آب آشامیدنی لوله‌کشی دسترسی دارند ولی تنها دو روستا دارای سیستم تصفیه آب هستند، با این وجود حدود ۵۰ درصد روستائیان از وضعیت آب آشامیدنی در دسترس راضی نبودند. در زمینه تغذیه، متوسط دفعات مصرف گروه‌های غذایی عمده نشان می‌دهد که اغلب جمعیت ناحیه از دو گروه عمده غذایی «نان و غلات» و «قند و چربی» بیشترین استفاده را می‌کنند، با این حال حدود ۴۰ درصد از خانوارها از برنامه غذایی خود ناراضی هستند. حدود ۱۷/۰۴ درصد از جمعیت فعال بیکار بوده و بیش از ۹۰ درصد شاغلین را مردان تشکیل می‌دهند. همچنین حدود ۹۲/۶ درصد خانوارها از شغل خود ناراضی بوده چرا که حدود ۷۸ درصد آنها، درآمد ماهیانه کمتر از ۲ میلیون ریال دارند. در این ناحیه ۳ مرکز بهداشتی-درمانی وجود دارد و تنها دو روستا دارای پزشک هستند، بیش از ۶۰ درصد خانوارها از امکانات بهداشتی موجود در دهستان رضایت نداشتند. در زمینه ارتباطات تنها یک دفتر پست و ۶ دفتر مخابرات در ناحیه وجود دارد و تنها یک روستا به اینترنت و روزنامه دسترس دارد. در مجموع حدود ۴۴ درصد خانوارها از امکانات اطلاعاتی و



ارتباطی موجود در روستاهای خود ناراضی بودند. بیش از ۹۰ درصد طول راهها در ناحیه مورد مطالعه آسفالت می‌باشد، ولی حدود ۸۰ درصد جمعیت در ناحیه مورد مطالعه از امکانات حمل و نقل موجود در دهستان ناراضی بودند.

### ۳-۲) شاخص کیفیت زندگی

شاخص کیفیت زندگی، خصوصیات کلی اجتماعی - اقتصادی محیط را در یک ناحیه نشان می‌دهد. این شاخص می‌تواند به عنوان ابزاری نیرومند برای برنامه‌ریزی توسعه اجتماع به کار رود زیرا شاخص‌های کلیدی اجتماعی، اقتصادی، محیطی و سلامت اجتماع را در بر می‌گیرد (Pal, et al., 2005:83).

نتایج کلی نشان می‌دهند که حدود ۳۳ درصد خانوارهای مورد مطالعه دارای کیفیت زندگی ضعیف، بیش از ۴۵ درصد خانوارها دارای کیفیت زندگی متوسط و حدود ۲۱ درصد از خانوارها دارای کیفیت زندگی مناسبی می‌باشند (جدول شماره ۲). بالاترین درصد خانوارهای با کیفیت زندگی مناسب در روستای سراب غضنفر (۴۰ درصد) و پایین‌ترین در روستای سرخانجوب سفلی (۳۳ درصد) قرار دارد.

جدول ۲: کیفیت زندگی خانوارها در ناحیه مورد مطالعه (درصد خانوار)

| دهستان<br>خاوه<br>شمالی | روستاها       |       |        |        |               |       |       |           |            | کیفیت زندگی<br>خانوارها |
|-------------------------|---------------|-------|--------|--------|---------------|-------|-------|-----------|------------|-------------------------|
|                         | سرخانجوب سفلی | زمانه | گاریزه | زلیوار | سرخانجوب علیا | شرفخت | کلراج | ایرانشاهی | سراب غضنفر |                         |
| ۱۳/۴                    | ۲۰            | ۲۰    | ۲۰     | ۲۲/۷   | ۱۵            | ۳/۳   | ۶/۷   | ۱۰        | ۳,۳        | خیلی بد                 |
| ۲۰/۳                    | ۴۰            | ۳۰    | ۳۰     | ۲۷/۳   | ۲۰            | ۶/۷   | ۱۳/۳  | ۱۰        | ۵          | بد                      |
| ۴۵/۲                    | ۳۶/۷          | ۳۰    | ۴۰     | ۴۰     | ۵۰            | ۵۵    | ۵۳/۳  | ۵۰        | ۵۷/۷       | نه خوب، نه بد           |
| ۲۱/۱                    | ۳/۳           | ۲۰    | ۱۰     | ۱۰     | ۱۵            | ۳۵    | ۲۶/۷  | ۳۰        | ۴۰         | خوب                     |
| .                       | .             | .     | .      | .      | .             | .     | .     | .         | .          | خیلی خوب                |

### ۳-۳) امید به بهبود کیفیت زندگی

به منظور آگاهی از میزان امیدواری خانوارهای روستایی به بهبود کیفیت زندگی خود، از آن‌ها پرسیده شد که اگر کیفیت زندگی شما کم‌تر از سطحی است که انتظار دارید، چقدر امیدوارید که به کیفیت زندگی مطلوب خود برسید. کم‌تر از ۵ درصد افراد پاسخ دادند که هیچ امیدی به بهبود کیفیت زندگی‌شان ندارند. ۵۵ درصد افراد تاحدودی و ۴۰ درصد خیلی امیدوار بودند که کیفیت زندگی آن‌ها در آینده بهبود یابد. نتیجه تحلیل همبستگی بین متغیرهای امید به بهبود کیفیت زندگی با سن و تحصیلات سرپرستان خانوارهای روستایی نشان می‌دهد که با افزایش سن سرپرستان خانوارهای روستایی، امید به بهبود کیفیت زندگی در آن‌ها کاهش می‌یابد و در مقابل، با افزایش میزان تحصیلات سرپرستان خانوارهای روستایی، امید آن‌ها به بهبود کیفیت زندگی در آینده افزایش می‌یابد.

### ۳-۴) عوامل موثر بر کیفیت زندگی

#### ۳-۴-۱) تحلیل همبستگی

در این پژوهش برای بررسی ارتباط بین متغیر وابسته (کیفیت زندگی خانوارها در نواحی روستایی) با مقیاس ترتیبی و متغیرهای مستقل با مقیاس ترتیبی از همبستگی اسپیرمن و متغیرهای مستقل با مقیاس فاصله‌ای از همبستگی پیرسون استفاده شده که در نتایج آن در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته، حاکی از آن است که همه متغیرهای مستقل، دارای همبستگی معنی‌دار با متغیر وابسته (کیفیت زندگی) می‌باشند. نتایج تحلیل همبستگی نشان می‌دهد که بین کیفیت زندگی پاسخ‌گویان با متغیرهای درآمد خانوار، تحصیلات سرپرست خانوار، سلامت، امکانات زیربنایی، کیفیت محیط و مشارکت ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد، ولی ارتباط کیفیت زندگی با متغیرهای سن سرپرست خانوار و بعد خانوار به صورت منفی و معنی‌دار است.

جدول ۳: تحلیل همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته کیفیت زندگی

| ردیف | نام متغیر             | مقیاس اندازه گیری | نوع ضریب همبستگی | ضریب همبستگی (r) | سطح معناداری (Sig) |
|------|-----------------------|-------------------|------------------|------------------|--------------------|
| ۱    | درآمد خانوار          | فاصله‌ای          | پیرسون           | ۰/۷۲۵            | ۰/۰۰               |
| ۲    | تحصیلات سرپرست خانوار | فاصله‌ای          | پیرسون           | ۰/۶۷۲            | ۰/۰۰               |
| ۳    | سلامت                 | ترتیبی            | اسپیرمن          | ۰/۶۶۱            | ۰/۰۰               |
| ۴    | امکانات زیر بنایی     | فاصله‌ای          | پیرسون           | ۰/۵۰۲            | ۰/۰۰               |
| ۵    | کیفیت محیط            | ترتیبی            | اسپیرمن          | ۰/۴۱             | ۰/۰۰               |
| ۶    | مشارکت                | ترتیبی            | اسپیرمن          | ۰/۳۸۹            | ۰/۰۰               |
| ۷    | سن سرپرست خانوار      | فاصله‌ای          | پیرسون           | -۰/۳۰۳           | ۰/۰۰۳              |
| ۸    | بعد خانوار            | فاصله‌ای          | پیرسون           | -۰/۲۴۱           | ۰/۰۱۸              |

#### ۲-۴-۳) تحلیل رگرسیون

با استفاده از رگرسیون چندمتغیره، با روش گام به گام، میزان تاثیر متغیرهای مستقل بر کیفیت زندگی مورد بررسی قرار گرفت. زیرا ویژگی روش مذکور این است که در آغاز با مقایسه تمام متغیرهای مستقل، مهم‌ترین عامل وارد معادله شده و به عنوان مهم‌ترین عامل و عاملی که بیش‌ترین قدرت تبیین متغیر وابسته را دارد، در نظر گرفته می‌شود، این روند هم‌چنان در گام‌های دیگر تکرار می‌شود تا وقتی که هیچ متغیر مستقلی توانایی ورود به معادله رگرسیون را نداشته باشد. نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که شش متغیر درآمد خانوار در گام اول، امکانات زیر بنایی در گام دوم، تحصیلات سرپرست خانوار در گام سوم، مشارکت در گام چهارم، سلامت در گام پنجم و کیفیت محیط به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند، وارد معادله رگرسیونی شده‌اند و در مجموع این شش متغیر توانسته‌اند بیش از ۸۵ درصد تغییرات کیفیت زندگی را در ناحیه مورد مطالعه تبیین کنند.

بر اساس مقادیر بتا معادله رگرسیون چندمتغیره در تحقیق حاضر به این صورت می‌باشد:

$$Y=0.374+0.236X_1+0.312X_2+0.286X_3+0.232X_4+0.271X_5+0.18X_6$$

درآمد خانوار= $X_1$  و امکانات زیر بنایی= $X_2$  و تحصیلات سرپرست خانوار= $X_3$  و مشارکت= $X_4$  و سلامت= $X_5$  و کیفیت محیط= $X_6$ .

جدول ۴: بررسی عوامل موثر بر کیفیت زندگی با استفاده از تحلیل رگرسیونی چندمتغیره

| گام   | متغیر مستقل           | R     | R <sup>2</sup> | F      | B     | Sd    | Beta  | T     | SigT |
|-------|-----------------------|-------|----------------|--------|-------|-------|-------|-------|------|
| اول   | درآمد خانوار          | ۰/۷۲۵ | ۰/۵۲۶          | ۱۰۳/۳۳ | ۰/۰۹۳ | ۰/۰۲۴ | ۰/۲۳۶ | ۳/۷۹  | ۰/۰۰ |
| دوم   | امکانات زیر بنایی     | ۰/۸۴۳ | ۰/۷۱           | ۱۱۲/۷۹ | ۰/۲۷۲ | ۰/۰۳۹ | ۰/۳۱۲ | ۶/۹۶۵ | ۰/۰۰ |
| سوم   | تحصیلات سرپرست خانوار | ۰/۸۷۸ | ۰/۷۷۱          | ۱۰۲/۲۶ | ۰/۹۳  | ۰/۰۱۷ | ۰/۲۸۶ | ۵/۴۸۱ | ۰/۰۰ |
| چهارم | مشارکت                | ۰/۸۹۶ | ۰/۸۰۴          | ۹۲/۰۲  | ۰/۹۹  | ۰/۰۲۰ | ۰/۲۳۲ | ۴/۹۸۵ | ۰/۰۰ |
| پنجم  | سلامت                 | ۰/۹۱۱ | ۰/۸۳           | ۸۶/۸۷  | ۰/۱۶۷ | ۰/۰۳۳ | ۰/۲۷۱ | ۵/۰۹۷ | ۰/۰۰ |
| ششم   | کیفیت محیط            | ۰/۹۲۵ | ۰/۸۵۶          | ۸۷/۲۸  | ۰/۰۹۱ | ۰/۰۲۳ | ۰/۱۸  | ۴/۰۰۳ | ۰/۰۰ |

### ۳-۴-۳ تحلیل سوالات باز

با استفاده از سوالات باز از پاسخ‌دهندگان در مورد میزان رضایت کلی از زندگی سوال شد و از آن‌ها خواسته شد که دلایل رضایت و یا عدم رضایت خود را نیز بیان کنند. نتایج حاصل از سوالات، تاییدکننده نتایج مدل رگرسیون در زمینه دلایل رضایت و یا عدم رضایت از زندگی است. پاسخ‌دهندگان موضوعاتی مانند بیکاری، کمبود درآمد، فقر، حمل و نقل نامناسب، مسکن و بهداشت محیط ناکافی را به عنوان مهم‌ترین عوامل نارضایتی خود از زندگی اعلام کردند که با نتایج تحلیل رگرسیون نیز هماهنگی دارد.

## ۴) بحث و نتیجه گیری

کیفیت زندگی مفهومی پیچیده و چند بعدی در رابطه با وضعیت اجتماع، در یک مقیاس جغرافیایی معین است که هم متکی به شاخص‌های عینی و هم متکی به شاخص‌های ذهنی است. بنابراین مفهوم کیفیت زندگی می‌تواند به عنوان ابزاری نیرومند جهت نظارت بر برنامه‌ریزی توسعه در جامعه استفاده شود و به برنامه‌ریزان برای نظارت بر اجتماع، ارزیابی اثربخشی و کارآیی سیاست‌ها و برنامه‌های فعلی و تدوین برنامه‌های جدید کمک کند، زیرا ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، محیطی و سلامت جامعه را در بر می‌گیرد. وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی خانوارهای روستایی در دهستان خاوه شمالی نشان می‌دهد که به‌طور کلی کیفیت زندگی در این ناحیه «ضعیف» است و به همین دلیل برنامه‌ریزی و مدیریت مشارکتی دولت و مردم در جهت ارتقای کیفیت زندگی ساکنین آن ضروری می‌باشد. نتایج تحلیل همبستگی و رگرسیون نیز نشان داد که ساکنین سکونت‌گاه‌های روستایی در دهستان خاوه شمالی عواملی مانند درآمد خانوار، امکانات زیربنایی، تحصیلات سرپرست خانوار، مشارکت، سلامت و کیفیت محیط را به عنوان مهم‌ترین عوامل اصلی شکل‌دهنده کیفیت زندگی در این ناحیه شناسایی کرده‌اند. بالاترین میزان همبستگی مربوط به درآمد خانوار و کم‌ترین همبستگی مربوط به بعد خانوار است. نتایج تحلیل رگرسیون بدین صورت است که از تعداد ۸ متغیر، شش متغیر در شش گام، وارد معادله رگرسیون شد. مهم‌ترین عاملی که در گام اول، وارد معادله شد، درآمد خانوار بود که ۵۲/۶ درصد تغییرات کیفیت زندگی را تبیین می‌کرد. در گام دوم، امکانات زیربنایی روستا بود که با متغیر وارد شده در گام اول، ۷۱ درصد تغییرات را توجیه می‌کرد. در گام سوم، تحصیلات سرپرست خانوار بود که همراه با دو گام قبلی ۷۷/۱ درصد تغییرات کیفیت زندگی را توجیه می‌کرد. در گام چهارم، متغیر مشارکت بود که همراه با سه گام قبلی ۸۰/۴ درصد تغییرات را توجیه می‌کرد. در گام پنجم، متغیر سلامت بود که همراه با چهار گام

قبلی ۸۳ درصد تغییرات را توجیه می‌کرد. در گام آخر، کیفیت محیط، به همراه پنج عامل قبلی، ۸۵/۶ درصد تغییرات کیفیت زندگی را تبیین می‌کرد. به طور کلی، بیش از ۸۵ درصد عوامل اجتماعی - اقتصادی در قالب شش عامل درآمد خانوار، تحصیلات، سلامت، امکانات زیربنایی، کیفیت محیط و مشارکت جای می‌گیرند.

با این حال، به رغم پایین بودن شاخص کیفیت زندگی و رضایت از زندگی در این ناحیه، میزان امیدواری خانوارهای روستایی آن به بهبود کیفیت زندگی خود در آینده بسیار مناسب بود، به طوری که ۵۵ درصد پاسخ‌دهندگان تاحدودی و ۴۰ درصد خیلی امیدوارند که کیفیت زندگی آن‌ها در آینده بهبود یابد. این موضوع با جوان بودن جمعیت در ناحیه مورد مطالعه و همچنین بالا بودن میزان تحصیلات آن‌ها مرتبط است. به طور کلی باید گفت که برنامه‌ریزی توسعه در ناحیه مورد مطالعه باید هدف‌مند بوده و متناسب با میزان دسترسی به منابع محلی و نیازهای عینی و ذهنی مردم انجام شود، تا بتواند به بهبود کیفیت زندگی آن‌ها کمک کند. برای رسیدن به این هدف اقدامات زیر در دهستان خاوه شمالی ضروری است:

- الف) تمرکز عمده برنامه بر فعالیت‌های کشاورزی، دامداری صنعتی و نیمه صنعتی و استفاده از فن‌آوری مربوط به صنایع خانگی به منظور رفع مشکل بیکاری و درآمد مردم؛
- ب) توسعه حمل و نقل و شبکه‌های ارتباطی به منظور افزایش تعاملات با سکونت‌گاه‌های روستایی و شهری دیگر؛
- ج) ایجاد رغبت و آگاهی در میان مردم ساکن ناحیه برای توسعه و استفاده زیر ساخت‌های فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات روستایی (RICT)؛
- د) اعطای کمک‌های دولتی و جلب مشارکت بخش خصوصی در زمینه بهبود وضعیت مسکن روستاییان؛

ه) تهیه فهرستی از منابع مادی و انسانی موجود در ناحیه مورد مطالعه و تدوین شیوه‌های بهره‌برداری از این منابع برای توسعه جامعه محلی با به‌کارگیری امکانات مختلف و  
و) تعیین برنامه زمانی کوتاه مدت و بلند مدت به منظور بهبود کیفیت زندگی ساکنین و اتخاذ اقدامات لازم برای رسیدن به اهداف مورد نظر.



- خوارزمی، شهین دخت. (۱۳۸۳)، «کیفیت زندگی و الزامات عصر دیجیتال در ایران»، روزنامه دنیای اقتصاد، روزهای ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲.
- کویچی، ایشین؛ پورجعفر، محمدرضا و تقوایی، علی اکبر. (۱۳۸۴)، «برنامه‌ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری»، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۲.
- Bloom, H. (2001), *The Quality of Life in Rural Asia*, Asian Development Bank.
- Bukenya, J.; Gebremedhin, T.x Schaeffer, P. (2003), «Analysis of Quality of Life Rural Development: Evidence from West Virginia Data», *Growth and Change*, No. 34.
- Costanza, R. & Cummins, J., (2006) «Quality of Life: An approach Integration Opportunities, Human Needs, and Subjective Well-being», *Ecological Economics*, NO.61.
- Das, D. (2008), «Urban Quality of Life: A Case Study of Guwahati», *Soc Indic Res*, 88
- Delia, Bucknell. (2002), *Rural quality of life in a changing environment: a study of the Eramosa- Speed Region*, University of Guelph.
- Epley, R. Donald & Menon, M(2007), «A Method of Assembling Cross-sectional Indicators into a Community Quality of Life», *Soc Indic Res*, 88.
- Glatzer, W. (2006), «Quality of Life in the European Union and the United States of America: Evidence from Comprehensive Indices», *Applied Research in Quality of Life*, 1.
- Grasso, M. (2007), «An Assessment of the Quality of Life in the European Union Based on the Social Indicators Approach», *Soc Indic Res*, 87.
- Malkina, P. (2007), «Quality of Life Indicators at different Scales: Theoretical Backgrounds», *Ecological Indicators* .No. 223.
- Pacione, M. (1995), «The Use of Objective and Subjective Measures of Quality of Life in Human Geography», *Prog. Hum. Geogr.* 6.
- Pacione, M. (2003), «Urban Environmental Quality and Human Wellbeing; A Social Geographical Perspective», *Landscape and Urban Planning*, No.65.



References.

منابع

- Pal, A. K & Kumar U. C. (2005), «Quality of Life Concept for the Elevation of Societal Development of Rural Community in West Bangal, India», Asia Pacific Journal of Rural Development; Vol. XV, No 2.
- Shyy, Tung-Kai & Stimson, Robert.(2006), «What is the Strength of the Link Between Objective and Subjective Indicators of Urban Quality of Life?», Applied Research in Quality of Life , 1.



پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرانسې  
پرتال جامع علوم انساني



پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرانسې  
پرتال جامع علوم انساني